



آموزش تدوین پلن معامله‌گری

گردآورنده: محمد میرراجعی



@ICT_NoteTaking

فهرست

۲	سه رکن پلن معامله‌گری
۳	تعیین اهداف
۴	برخورد حرفه ای با نقاط ضعف و قدرت در معامله‌گری
۴	استایل معامله‌گری
۴	اهداف غیر پولی
۵	چک لیست (اقدامات مهم قبل از معامله)
۵	مدیریت سرمایه عمومی
۶	توقف های اضطراری
۶	روتین روزانه و هفتگی
۶	ثبت معاملات در ژورنال
۷	مرور و بازنگری سیستم معاملاتی
۷	حلقه پیشرفت
۸	مجازات تخطی از پلن
۸	کنترل احساسات و هیجان
۹	قانون تغییر قوانین
۹	استراتژی معامله‌گری (مقدماتی)
۱۰	مکانیزم انتخاب بازار و نماد
۱۰	استراتژی معامله‌گری (تکمیلی)
۱۱	امتیاز بندی الگوها در استراتژی
۱۱	مدیریت ریسک
۱۲	تایم فریم

الف: اهداف شخصی

- دلایل انتخاب معامله‌گری
- چشم انداز شما در معامله‌گری
- نقاط قوت و ضعف
- استایل معامله‌گری
- اهداف غیر پولی

ب: قوانین عمومی

- چک لیست
- مدیریت سرمایه عمومی
- توقف های اضطراری
- روتین روزانه و هفتگی
- ثبت معاملات در ژورنال
- مرور و بازنگری سیستم معاملاتی
- حلقه پیشرفت
- مجازات تخطی از پلن
- کنترل احساسات هیجان
- قانون تغییر قوانین



○ قانون تغییر قوانین

Trader98.com

ج: سیستم معاملاتی

- بازارها و نمادها
- تایم‌فریم و زمان معامله
- استراتژی معامله‌گری
- مدیریت ریسک اختصاصی
- امتیاز بندی الگوها
- مدیریت معاملات

اهداف شخصی

تعیین اهداف

پاسخ به پرسش های زیر:

- دلیل ورود شما به بازارهای مالی چیست؟
 - هدف شش ماهه، یکساله و چند ساله شما چیست؟
 - معامله گری چطوری میتونه شما رو به زندگی دلخواهتون نزدیک کنه؟
- وقتی من قراره ۶ ماه، ۴۰٪ سود کنم (در صورت تعیین هدف) الان معنی نمیده بخوام ۵٪ ریسک کنم، بیش تر از بازه مورد نظر نباید ریسک کنیم. کم کم شروع کنیم تا به اون هدفی که میخوایم برسیم.

تعیین هدف: یک چرایی خوب می تواند شما را برای مقابله با هر چگونگی آماده کند.

وقتی هدف اینه که یک معامله گر خوب باشیم، اگر نیاز باشه تا ۲ شب هم مطالعه میکنم، اگر بعدها زبان سنگین داشته باشم باید اون زبانم رو بررسی کنم که اون زبان همیشه برای من زبان باقی نماند، گرفتن درس عبرت، استخراج پوینت های معامله گری در جهت پیش برد اهدافم، نقد و پیشنهاد به خودم.

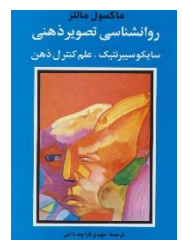
تعیین چشم اندازه زندگی، نقش معامله گری در رسیدن به زندگی دلخواهم چیه؟، مدام نباید پای بازار بشینیم اگر آزادی عمل میخوایم، وقتی از بازار دور باشیم بهتر میتونیم تو نگاه بعدی بازار رو تحلیل کنیم.

چارت نشینی زیاد ذهن رو خسته میکنه و باعث میشه موقعیت های مناسب رو نتونیم بگیریم (ذهن خسته نمیتونه خوب ببینه).

مشخص کنیم معامله گری چجوری میتونه ما رو به اون زندگی ایده آلی که میخوایم نزدیک کنه؟ اهداف واقع بینانه باید داشته باشیم، بازار فضای کاملاً جدی و کسی موقف میشه که نگاه جدی و واقع بینانه ای به بازار داشته باشه (مثلاً نخواید تو یک ماه ۲۰۰ دلار رو تبدیل به ۱۰۰۰ دلار کنید).

اهداف باید متناسب با شخصیتون ما باشه: من کی هستم؟ چی هستم؟ چقدر پول دارم؟ چقدر زمان دارم (چقدر زمان میتونم برای این کار بزارم؟)، چقدر توان دارم و ...

پیشنهاد کتاب: روانشناسی تصویر ذهنی از مکسول مالتز



برخورد حرفه ای با نقاط ضعف و قدرت در معامله‌گری

نقطه ضعف: در برخورد با نقاط ضعف نباید دچار افراط و تفریط بشیم، اگر نادیده بگیریم تفکر پوچ رو برای خودمون می‌سازیم (گذاشتن آشغال‌های اطاق زیر فرش) مثل بهانه جویی یا حتی تراشیدن نقطه ضعف مقل مدام نقد کردن خودمون، زیاد هم مچ خودمون رو نگیریم (همه چیز هم نقطه ضعف نیست). نقطه ضعف مثل همه چیز رو سطحی بلد بودن، چندتا دوره ببینی و توهم بلد بودن داشته باشی، تو هیچ چیزی عمیق نشدی.

بهترین برخورد با نقطه ضعف، پذیرشش ضعف هاست، وقتی ضرر کردی ببین مشکل کجاست، حد ضرر بزار برو تو ژورنال بررسی کن ببین کجار رو اشتباه کردی، طبق عمل کردی؟ این همیشه پذیرش ضعف.

نقطه قوت: بررسی ترید های سوده (چرا سود کردی؟ دلیلش؟) که بعد بتونی تکرارش کنی، یادگیری راه موفقیت با نوشتن پرامترهای موفقیت آمیز در ژورنال، بالابردن ضریب اطمینان که در آزش میتونی ریسکت رو بالاتر ببری.

اگر پرایس اکشن بلام چه کاری رو میتونم خوب انجام بدم؟ مدیریت ریسک خوبی انجام میدم؟ این همیشه نقطه قوتم میتونم در شرایط خاص ریسکم رو کاهش بدم؟ به این صورت میتونید بهترین نسخه معامله گری خودتون رو ارتقا بدید.

استایل معامله‌گری

چند وقت بیار ترید میکنم؟ هر ترید سودده رو تا چه اندازه (زمان) باز میذارم
چطور استایل تعریف کنیم؟ کاملاً براساس اهداف شخصی و هم پوشانی با سه رکن اصلی و نقاط ضعف و قدرت، با چه سبکی راحت هستیم؟ اسکالپ یا سوئینگ؟ چقدر زمان میتونم برای مار بزارم؟ اهداف سرمایه گذاری من به چه صورتیه (کوتاه مدت، بلند مدت یا مان مدت؟)

اهداف غیر پولی

اهداف غیر پولی باعث افزایش مهارت میشه، سود و زیان مهم نباشه، داشتن چک لیست، ژورنال معاملاتی، مطالعه منظم، استخراج موقعیت عالی که در ترید داشتیم برای عادت دادن چشم به دیدن موقعیت و الگوهای متناسب با استراتژی، امتیازبندی الگوها برای بالابردن ضریب اطمینان و افزایش ریسک، مطالعه اخبار و درنهایت ساخت عادت های خوب.

موفقیت در بازارهای مالی کاملاً وابسه است به این که ما یک پلن معامله‌گری مکتوب، منسجم و مفصل داشته باشیم.

قوانین عمومی

چک لیست (اقدامات مهم قبل از معامله)

چک لیست بستگی به استایل و استراتژی داره، مثلاً در اسکالپ قرار نیست قبل از هر ترید چک کنید ولی معاملات سوئینگ نیازه، به عنوان نمونه قبل از هر ترید پوزیشنی که میخواهید بگیرید رو اینجوری باید چک کنید:

نقطه قوت استراتژی من هست؟ موقعیت فعلی در جهت نقطه قوت من است یا نه؟ نسب به ریسک به ریوارد رعایت شده؟ بررسی همبستگی، امتیاز الگو دیده شده، خبر مهمی امرئز داریم، اگر داریم کاهش ریسک، امروز پذیرش زیان دارم؟ وضعیت جسمی و روحی خوبی دارم (نرمال هستم) که یه وقت منجر به اورترید یا اور سایز نشه.

چک لیست بهمون تحمل میده که اگر یک تریدی منطبق نبود با چک لیستمون صبر یا منصرف بشیم.

تعداد پارامترهای چک لیت در ابتدا مهم نیست به مرور با گرفتن فیدبک و بالانس کردن موارد مهم در چک لیست کم کم به یک چک لیست خوب میرسید.



بررسی ریسک هر بازار قبل از ورود، بررسی ویژگی ها (فارکس، کریپتو و ...)

بررسی هر بازار نسبت به خودش (رویکرد Stand alone شرایط یک جفت ارز رو مسبت به شرایط قبلیش بررسی کنید). رویکرد Portfolio، چینش ریسک بین بازارهای مختلف، چقدر زیان میتونم تحمل کنم؟ ملک، بورس، کریپتو، چک کردن بازده سود و زیان، منبع سرمایه از کجاست؟ ضرر کنم تحت فشار قرار نمیگیرم؟ جوری نباشه خودتون رو مجبور به سود کردن کنید.

هر چقدر اماکن سود تو بازار هست، امکان ضرر هم به همون اندازه هستش، هرگز به بازار خوش بین نباشید بازار بر مبنای احتمالات کار میکنه.

توقف های اضطراری

چه زمانی از ترید کردن دست میکشم؟ مثل زمانی که تمرکز ندارید یا تو مسافرت هستید، حتما باید متمرکز باشید به اون کاری که دارید انجام میدید، موقع کار، کار و موقع تفریح هم به فکر تفریح کردنتون باشید قرار نیست تحت هر شرایطی ترید کنید.

موقعیت های که حتماً باید ترید رو متوقف کنید، رسیدن به تارگ سود (روزانه، هفتگی، ماهانه) یا پر شدن سقف زیان (روزانه، هفتگی، ماهانه)، بعد از سیکل مشخص (مثلاً ۳ ماه یا ۱۰۰ ترید) بهتر کار رو متوقف و تریدر هاتون رو بررسی کنید.

ترید کمتر بهتر و باعث میشه تمرکزتون بیشتر باشه، هر جا تمرکز ندارید ترید رو بزارید کنار و کار رو متوقف کنید.

روتین روزانه و هفتگی

روتین روزانه: اضافه کردن اهداف غیر پولی، ورزش، ثبت معاملات در ژورنال، بررسی اخبار، بررسی خودم (نقاط ضعف و قدرت)

روتین هفتگی: یک روز استراحت کامل ذهنی، ورزش، تهیه گزارش از هفته گذشته بررسی ترید های هفته گذشته (کجاها ضعیف عمل کردم، چیکار کردم که تریدم سود شد)، تعیین ریسک هفته جاری با توجه با نتایج هفته قبلی.

ثبت معاملات در ژورنال

گرفتن فیدبک از کاری که داریم میکنیم، مانیتورینگ و نظارت روی نحوه انجام کارهامون. زمانی که تمرکز دارید ژورنال نویسی کنید.

نحوه ژورنال نویسی: سه قسمت اصلی برای ژورنال نویسی رو باید مد نظر قرار بدید.

۱. ایده های معاملاتی: دلیل ورود، نقطه ورود، نحوه خروج، حجم

۲. زمانی که از ترید خارج شدیم: چرا خارج شدیم؟ خروج پله ای بود یا یکجا بستیم؟ بخاطر سشن بستن یا خبر

۳. ثبت احساسات: الگوهای احساسی خصامون رو باید بنویسیم، هیجانی معامله کردم؟ از چیزی ناراحت بودم؟ به چی داشتم فکر میکردم؟

ژورنال فقط دیتا خالی نباید باشه، خودمون رو عادت بدیم به ژورنال نویسی در هر شرایط، با ژورنال نویسی الگوهای مناسب معاملاتی و احساسیمون رو میتونیم پیدا کنیم.

تغییر از جایی شروع میشه که اون چیزی که برامون کارایی نداره روبرایم کنار، هیچ راه حل بسته بندی شده ای وجود نداره، کم کم باید تغییرات رو ایجاد کنیم.

به نقل از کتاب روانشناسی تصویر ذهنی: موفقیت بیش از هر چیز دیگری موفقیت می‌آفریند، مغزمان نمی‌تواند فرق بین موفقیت مجازی (خیالی) رو با موفقیت واقعی تشخیص بدهد، داشتن یک تجسم مناسب.

به نقل از کتاب اثر مرکب: عادت کنیم به اینکه کارهای خوب رو انجام بدیم (که باعث میشه به جزئی جدایی ناپذیر از شخصیتمون تبدیل بشه)

ژورنال باید شامل جملات احساسی هم باشه و بصورت روزانه هم باید این کار رو انجام بدید
چه ترید داشته باشید و چه نداشته باشید.

مرور و بازنگری سیستم معاملاتی

چند وقت یک بار و تا چه حد سیستم معاملاتی رو مرور و بازنگری کنیم؟

بعد از بسته شدن ترید به صورت سطحی به چک کنید مخصوصاً وقتی سود یا ضرر میکنید که بعداً منجر به اورتريد یا اورسایز نشه. بصورت هفتگی در روتینتون باید قرار بدید، حتی بصورت روزانه که همیشه همه نکات آویزه گوشتون باشه.

برای بازنگری کامل سیستم معامله‌گری پس از ۳ ماه یا ۵۰ ترید باید یکسری پرسش‌های رو برای خودتون مطرح کنیم.

تنظیم مدیریت ریسک براساس الگوهای موفق و پرتريد، مدیریت سود براساس شرایطی که در ژورنال ثبت میکنید، سوالی سود و زیان من به چه صورتی بوده است (چند بار پشت سر هم ضرر یا سود کردم؟) در مجموع تونستم روند رو بدرستی تشخیص بدم؟ چیدمان ریسک به ریوادم آیا درسته؟ میتونم ریوارد رو افزایش بدم یا باید کاهش بدم؟ وین ریت من نسبت به ۳ ماه قبل بهبود داشته یا نه؟ چه عواملی باعث تغییر در وین ریت من شده؟

حلقه پیشرفت

مطالعه، استخراج اطلاعات مفید، داشتن نگاه جدی به بازارهای مالی، پیدا کردن منبع مشکلات من در معامله‌گری به مطالعه و بررسی خودم و ژورنالم.

یادگیرییم با کارت های بد، خوب بازی کنیم، وقتی بازار وقتی شرایطش خوبه که سود کردن راحت در شرایط بد بازار مهمه که بتونیم مدیریت ریسک و معامله بهتری داشته باشیم.

مجازات تخطی از پلن

اگر طبق پلن ضرر کریدم که مشکلی نداره و باید ضرر رو بررسی کنیم. نباید پلن رو عوض یا اون مجازات کنیم (مثلاً تغییرش بدیم) اینجوری خطای انسانی رخ میده.

وقتی خودمون طبق پلن ترید نمیکنیم باید خودمون رو مجازات کنیم، مجازات باید کاری باشه که ارزش متنفریم ولی در اولین قدم دور شدن از بازار (فرصت ترید رو از خودمون بگیریم)

چرا داریم خلاف پلن عمل میکنیم؟ اگر پلن رو رعایت نکنیم یه رنجی مثل کاهش اعتماد بنفس، بهم ریختن اکانت و ... در انتظارمونه.

وقتی مجازات برای خودمون تعیین کنیم عبارتی اهرم رنج و لذت رو داریم بکار میبریم، ثابت قدم بودم توی تغییر اهرم رنج و لذت خیلی میتونه کمک کنه.

وقتی فرآیند تغییر مستمر باشه یه لذتی خواهیم داشت لذت برن از معامله گری، خلافتش ترس، افسردگی، کاهش اعتماد بنفس

کنترل احساسات و هیجان

اعتماد بنفس کاذب در زمان سود کردن که باعث افزایش ریسک میشه و انتقال جویی در زیان ها که باعث اورترید میشه. در معامله گری زمانی که سوپرایز بشیم یا اتفاقی برامون بیفته که اصلاً منتظرش نبودیم باعث میشه هیجانی عمل کنیم (انتظار زیان رو از بازار نداشتیم حال میفتیم دنبال اورترید کردن)، درحالت سود و سزبان باید خنثی عمل کنیم (پوکرفیس)

مکتوب مردن سود و زیان، به خودمون بفهمونیم %n زیان معادل دلاری/ریالیش چقدر میشه که اینجوری باعث نیشه هیجانی عمل کنیم.

به نقطه قوت هامون تکیه کنیم، مدیریت ریسک رو براساس شرایط بازار یا استراتژیمون تطبیق بدیمو مدیریت زمان داشته باشیم بدونیم چه زمانی توبازار باشیم و چه زمانی نه.

قانون تغییر قوانین

زمانی که در معامله‌گری به بنبست میخوریم بدون تعصب باید کل پلن معامله‌گری رو زیر رو کنیم، استایلمون رو عوض کنیم، بدونیم چه روزی برای برای ترید مناسب نیست (این سشن مناسب من نیست) روی خودمون نظارت کنیم به وساطه ژورنال، جفت ارزهای که بدرمون نیمخورن رو عوض کنیم.

یک معامله‌گر موفق نیاز به یک ساختار ذهنی مناسب داره، دانش تحلیلی بالایی باید داشته باشه، سیستم نهایی ۲۰ ۳۰ درصد فرآیند موفقیت باشه مابقی اهداف، قوانین، چه کاری رو میتونیم تو بازار خوب انجام بدیم و نیاز به یک ذهنی منطقی داره.

سیستم معاملاتی

استراتژی معامله‌گری (مقدماتی)

چرا باید سیستم معاملاتی داشته باشیم؟ فرصت های معاملاتی بسیار زیاده ما نیاز به یک سیستمی داریم تا بتونه این فرصتها را برامون محدود کنه.



Trader98.com

دو بخش سیستم معاملاتی:

۱. استراتژی معامله‌گری (جهت، ورود و خروج)

۲. مدیریت ریسک مختص استراتژی (ریوارد به ریسک، وین رین، توالی سود و زیان، بریک ایون، حالت Set & Forget پارامترهای دیگه)

"وارن بافت؛ ما بازار رو پیش‌بینی نمیکنیم، خودمون رو آماده میکنیم برای اتفاقی که تو بازار قرار است رخ بدهد."

استراتژی معاملاتی

یه اسم مستعار براش انتخاب کنیم، فکر کنیم این استراتژی رو میخوایم تدریس کنیم بیایم رو کاغذ ۰ تا ۱۰۰ این استراتژی رو بنویسیم، وجه تمایزش، فرق با سبک های دیگه چیه، به چیزیا که نوشتی چقدر تسلط داری، چقدر بلدم از این سبک و استراتژی استفاده کنم؟ (فلسه استراتژی خودتون رو باید بدونید)

میزان تسلط هم به دوره و کتاب و اینکه چقدر وقت گذاشتی هم رابطی نداره با فروارد تست مشخص میشه، ریسک به ریوارد مناسب این استراتژی، کجاها بهم سیگنال میده؟ بازار باید در چه شرایط باشه، نحوه ورود بهش چجوریه (تریگر یا اوردرد گذاری شده).

مکانیزم انتخاب بازار و نماد

براساس نوع معامله‌گری میتونه متفاوت باشه (بلند مدت، کئتاه مدتی، اسکالپر، سوئینگ تریدر و ...)

انتخاب نماد: بسته به ریسک میتونه متفاوت باشه، بستگی به استراتژی داره مثلا طلا نوسانش زیاده پس چون ریسکش بالاست جفت ارز رو انتخاب میکنیم و در بعضی بازارها زمان خیلی مهمه برای هلد کردن کردن پوزیشن بعضی نمادها کندتر هستند، سشن میتونه تاثیر بزاره پس جفت ارزها برای هر سشنی مناسب نیستند.

استراتژی معامله‌گری (تکمیلی)

استراتژی معامله‌گری من باید سه پارمتر جهت، ورود و خروج رو بصورت آبجکتیو و شفاف برای من بتونه تامین کنه و در نهایت اجراش.

با چه مکانیزم یا بازاری جهت بازار رو تشخیص میدم؟ نحوه ورود من به چه صورته؟ اوردرد یا تریگر، خروج براساس ریسک به ریورده؟ یکجا پوزیشن رو میندم یا پله ای؟ هرچی هست همون رو همیشه اجرا میکنم، در حیت معامله‌گری خلاقیت باید در حد صفر باشه.

در لحظه وقتی نوسانی دیدم نباید تصمیم بگیریم، بصورت یک ربات چیزهای که نوشتیم رو باید اجرا کنیم، استراتژی رو انقدر واضح و شفاف باید بنویسیم که وقتی که به کسی نوشتنش میدیم باید بتونه ترش کنه، یک نقشه از پیش تعیین شده باید داشته باشیم.

بازار رو ساده نگاه کنید، بازار به خودی خود پیچیده است دیگه ما پیچیده ترش نکنیم، متغییر و پارمترها زیادی به بازار بیش از حد اضافه نکنید (کلی اندیکاتور ، خط و سطوح نندازید رو چارت).

چرخه معیوب (مارک داگلاس): شما احساس میکنید اگر بیشتر بدونید تو این بازار میتونید درد و رنج کمتری رو تحمل کنید، وقتی میریم بیشتر یاد میگیریم توقعمون زیاد میشه و انتظار سودآوری داریم و این انتظار همه چی رو خراب میکنه (کامل گرای) به جای میرسیم همه چی میدونیم ولی هیچی نمیدونیم، نمیتونیم حتی یک استراتژی از چیزهای که بلدیم استخراج کنیم.

وقتی تبصره های ورود زیاد باشه به این صورته که تمام چیزهای که میدونیم رو بخوایم بیاریم تو سبد معامله‌گری، براساس اون چیزی روش خیلی تسلط داریم رو مبنای تصمیم گیری قرار بدیم، عادت کنیم به اینکه الگوهای خوب رو تو بازار ببینیم، تربین ذهن برای دیدن الگوهای قشنگ.

اگر نمیتونم ۳ پارامتر جهت، ورود و خروج رو استخراج کنیم توهم دانایی داریم یا شخصی که بهتون درس داده یه آدم تئوری بوده (هیچ ترید و تجربه عملی تو بازار نداشته)

امتیاز بندی الگوها در استراتژی

اول اینکه باید ژورنال حرفه ای داشته باشید و دوم اینکه تسلط خیلی بالایی رو استراتژیتون باید داشته باشید.

پرسش از استراتژی: کدوم الگو امتیازش بالاتره که میتونیم ریسک رو افزایش بدم، احتمال زیان کمتر - بالا بردن ریسک، اگر فلان پارامتر رو داشته باشه امتیاز بالاتره و به همین ترتیب برای هر پارامتر یه امتیاز در نظر میگیریم اگر هم امتیازش کمتر باشه کاهش ریسک میدیم.

تو این استراتژی که دارم کار میکنم کدوم پارامتر برام مهم تره، ضریب اطمینان بالاتر. من ذهنمو تربیت میکنم که الگوهای رو بگیره یا ببینه که امتیازش بالاتره.

استراتژی خوبه که توالی سود و زیان مناسب داشته باشه، وین ریت و ریسک به ریوارد خوبی داشته باشه.

و مهم تر از همه اینکه ترید نکردن و دوری از بازار هم باید یاد بگیریم، مخصوصاً مواقعی که الگوی مورد نظرمون رو نمی بینیم.



Trader98.com

مدیریت ریسک

پذیرش ریسک، قبول اینکه بازار میتونه خلاف تحلیل من پیش بره

پذیرش زیان، بازار رو تهید آمیز نبینیم و اینجوری از بازار نمی ترسیم و اینجوری نسخه بهتر خودمون رو میتونیم ارائه بدیم.

و همه این دور مورد بالا باید در رفتار من مشخص باشه (سریع معامله سوده رو نبندیم)

اگر وین ریت پایینه مثلاً زیر ۵۵% ریسک به ریوارد خدای ۲ یا بهتره که ۳ باشه، میتونیم بعد از یه تعداد توالی برد ریسک رو افزایش بدیم و اگر هم تعداد زیان هامون بالا داره میره کاهش ریسک تا برآیند کلی ریسکمون حفظ بشه (ریسک شناور).

با استفاده از امتیاز بندی الگوها میتونیم ریسک رو افزایش یا کاهش بدیم (براساس تعدا پارامترها)، استراتژی باید آجکتیو باشه نه سلیقه‌ای.

تایم فریم هم جهت و هم راستا با استایل معامله‌گریه و براساس زمانیه که میتونید برای کار بزارید، انتخاب تایم فریم برای تشخیص روند باید جدا از تایم ورود به معامله باشه. هر تایم فریمی که در پلن مشخص کردید همون رو همیشه باید در چارت داشته باشید، تایم فریم زیاد باشه باعث گیجی در کار میشه و نمیزاره که درست تصمیم بپزید



Trader98.com

برای دریافت جزوات بیشتر کلیک کنید



ICT_NoteTaking